



انترناسیونال ۴۱۵

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۴ شهریور ۱۳۹۰، ۲۶ اوت ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



حمید تقوایی

ارزیابی ای از تحولات سیاسی دنیا

صفحه ۲

لیبی بعد از قذافی: غرب نگران چیست؟

هشدار میدهند که هم اکنون دار و دسته های مختلف و حتی عناصر مرتبط با القاعده در شورای انتقالی هستند و بعد از قذافی امکان بالا گرفتن جنگهای قبیله ای یا منطقه ای بین شرق و غرب لیبی وجود دارد و غیره. این نظرات اساسا بر بینهش و

اغلب این این تفسیر و تحلیلها است. از عشییره ای و "ماقبل مدنی" بودن جامعه لیبی صحبت میکنند و از تکرار سناریوئی نظیر عراق و افغانستان و حتی سومالی در لیبی اظهار نگرانی میکنند.

با سقوط طرابلس و مخفی یا متواری شدن قذافی بحث و ابراز نظر و گمانه زنی در مورد آینده لیبی به صلا اخبار و سانه ها رانده شده است. اظهار نگرانی و هشدار در مورد آینده و دولت آتی لیبی وجه مشترک



روز قدس و وحشت حاکمین و جناح مغضوب

کاظم نیکخواه

"آزادی، عدالت" و پایان بازی

کاظم نیکخواه

کنند و میانجی گری کنند. و اردوغان هم گفته است که ایران اول باید يك موقعیت بی طرف داشته باشد تا بتواند میانجی گری کند. بنا به این خبر "در روزهای اخیر، رئیس صفحه ۳

دیروز در اخبار یکی از سایتهای رسمی ایران بنام تابناک آمده بود که احمدی نژاد با اردوغان تلفنی تماس گرفته و از او خواسته است که ترکیه به همراه ایران در اوضاع سوریه دخالت

به احضار علی نجاتی به زندان، اعتراض کنیم

شهلا دانشفر

کارگران است. روز سوم مرداد جانبان اسلامی او را احضار کردند که خود را به اجرای احکام دادگاه انقلاب اسلامی در شهر شوش معرفی کند تا او را به صفحه ۷

علی نجاتی فعال کارگری و رهبر سرشناس و محبوب کارگران نیشکر هفت تپه و عضو هیات مدیره سندیکای این

روز قدس جمهوری اسلامی که امسال با جمعه ۴ شهریور مصادف است فرا رسیده است. امسال هم روز قدس برای جمهوری اسلامی در شرایط حساسی برگزار میشود.

میشود فضای وحشت و نگرانی را در سرتاپایشان دید. دو سال پیش روز قدس به روز تظاهرات میلیونی با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای تبدیل شد و حکومت را در آستانه سرنگونی قرار داد. اما ظاهرا خطر رفع شد. سوال اینست که مشکل و معضل و کابوس امسال جمهوری اسلامی چیست؟ و پاسخ روشن است: امسال در بحبوحه انقلابات مردم علیه دیکتاتوری هایی نظیر جمهوری اسلامی این روز دارد برگزار میشود. دیکتاتورهای مصر و تونس که

ماهها پیش سرنگون شدند و فضای انقلابی بر این دو کشور حاکم است. دیکتاتور لیبی قذافی که دوره های زیادی یکی از دوستان حامیان جمهوری اسلامی بود این روزها عملا به زیر کشیده شد و متواری گردید و جنگ و گریز به خانه و اتاق خواب او کشیده شده است. اما از همه بدتر برای جمهوری اسلامی، اینست که بشار اسد یار و هم پیمان نزدیک این حکومت دارد با يك انقلاب میلیونی با توحش و جنایت مقابله میکنند و علییرغم بیرحمی تمام در کشتار و دستگیری، قادر به مهار و کنترل و حتی محدودتر کردن دامنه انقلاب مردم سوریه نشده است.

در این شرایط روشن است که سران جمهوری اسلامی حق دارند کابوس داشته باشند. حق دارند وحشت زده باشند. خامنه ای در سخنانی برای تاکید برای شرکت در مراسم

صفحه ۳

در دفاع از مردم عراق و کردستان عراق علیه سیاستهای تجاوز کارانه دولت های جمهوری اسلامی و ترکیه

و بمباران هواپیماهای جنگی ارتش ترکیه بوده اند. همزمان با این بمبارانها، نیروهای پیاده نظام این دو

مردم کردستان در مناطق مرزی ایران، عراق و ترکیه در يك ماه گذشته به بهانه مقابله با نیروهای مسلح پ.ك.ك و پژاك مداوما زیر حملات توپخانه ای جمهوری اسلامی

صفحه ۳

رگورد اختلاس در حکومت امام زمان

بهرروز مهرآبادی

بسیاری از آنها "اختلاس" را هم ذکر خواهند کرد و اگر عناوین رسانه های ایران دسته بندی شود، "اختلاس" مقام بالایی خواهد صفحه ۶

اگر از کودکان دبستانی ایران در مورد ویژگی های حکومت امام زمان پرسید، بدون شك

صفحات دیگر

پروین نودینیان جان باخت، یادش گرامی باد

صفحه ۶

به یاد پروین نودینیان

مینا احدی، صفحه ۱۰

سخنرانی مینا احدی در برلین، در معرفی یک کتاب جدلی از یک زن شجاع، صفحه ۹

اعتراض علیه سفر پاپ به آلمان

صفحه ۷

چند خبر از اعتراضات و مسائل کارگری در ایران

صفحه ۸

اخباری از کردستان عراق، صفحه ۹

در پاسخ به صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه، صفحه ۲

بازتاب هفته

نرخ تورم علنی اعلام نمی شود!

محمد شکوهی

لمپنهای اسلامی روی در روی هم

یاشار سهندی

"بازی باخت باخت"

یاشار سهندی

یک پاسخ دندان شکن

فرح صبری از ایران

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

لیبی بعد از قذافی: ...

مبتنی است که با انقلاب تونس دوره اش تماماً پایان رسیده. دوره حاضر دوره انقلابها و عرض اندام و قدرتنمایی توده های مردم در سیاست است و نه دوره میداننداری میلیتاریسم نئوکنسرواتیسی و اسلام سیاسی و جنگ تروریستها و سناریوهای رژیم چنجی. آینده لیبی را در تحلیل نهائی انقلاب مردم لیبی رقم خواهد زد نه توازن قوا میان قبایل و عشایر و یا نیروهای اسلامی و یا حتی دولتهای غربی که میخواهند با اسب ترویای دخالت نظامی ناتو انقلاب را به نفع خود صادره کنند. انقلاب تونس به همه نشان داد که با تحولاتی اساسا متفاوت از "انقلابات رنگی" در اروپای شرقی و سناریوهای رژیم چنجی در عراق و افغانستان مواجه هستیم. فاکتور قدرت مردم، یعنی همان نیرویی که دولتهای غربی را واداشت تا خود را از دیکتاتورهای تا دیروز مورد حمایت و دست نشانده خودشان دور کنند و برای حفظ نفوذشان در اوضاع بعد از سرنگونی دیکتاتور سرمایه گذاری کنند، در اوضاع بعد از سقوط دیکتاتور نیز همچنان حرف آخر را خواهد زد. کار دیکتاتور لیبی هنوز یکسره نشده

از صفحه ۱

اما تداوم مبارزات و اعتراضات مردم در تونس و مصر نشان میدهد که اوضاع بر وفق مراد دولتهای غربی، هر اندازه هم خود را مخالف دیکتاتور و دوست مردم جا زده باشند، به پیش نمیرود. مردم اجازه نمیدهند.

دوره بعد از جنگ سرد، دوره فعال میاشانی طرف پیروز این جنگ یعنی سرمایه داری بازار آزاد بود. دوره سیاهی که نیروهای قومی و مذهبی همه جا میداندار شدند و مقابله میان دو توحش- میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی و اسلام سیاسی- بر همه چیز سایه افکند. رژیمهای قومی- عشیره ای- مذهبی محصول این اوضاع بودند و نه حاصل ساختار قبیله ای و مذهبی و غیر مدنی که به این جوامع نسبت میدادند. تقسیمبندیهای قبیله ای عشیره ای در افغانستان قبل از طالبان و عراق قبل از جنگ خلیج وجود داشتند اما از هم پاشیدن شیرازه این جوامع و روی کار آمدن دولتهای مذهبی قومی قبیله ای در این کشورها محصول ساختارهای داخلی این جوامع نبود بلکه حاصل استراتژی

بورژوازی غرب برای تامین و تثبیت هژمونی اش بر دنیای بعد از جنگ سرد بود. انقلاب تونس و بعد بویژه انقلاب مصر به این دوره سیاه نقطه پایان گذاشت. انقلاباتی که پرچم نان و آزادی و کرامت انسانی را بلند کردند و به الگوی اعتراض حتی در خود آمریکا و کشورهای اروپائی تبدیل شدند.

یک فاکتور تعیین کننده در انقلاب لیبی، همانند انقلابات مصر و تونس و سوریه، فاکتور قدرت مردم است. در سناریوهای سیاه و رژیم چنجی مردم قربانی و مرعوب و مقهور بالائینها، جنگ و سازش میان دولتها و احزاب بورژوائی با یکدیگر، هستند. و بر عکس در انقلابات، ابتکار عمل در دست نیروی مردم است و این نیروهای ارتجاعی اند که به سیاستهای خواستهای مردم کشیده میشوند. مشخصا در لیبی این شکلگیری اعتراضات توده ای در شش ماه قبل در شهرهای بنغازی و طرابلس بود که کلید انقلاب را زد و قذافی و کشورهای عربی و دولتهای غربی را سراسیمه کرد و به فکر چاره جوئی انداخت. و از همان نخستین اعتراضات توده ای تا امروز در

عملیات آزاد سازی طرابلس، نیروی مردم نیروی محرک و پیشبرنده تحولات بوده است. "شورای بنغازی"، تحریمها و فشارهای دیپلماتیک غرب علیه رژیم قذافی، دخالت نظامی ناتو، و همین امروز اظهار نگرانی در مورد آینده عشیرتی قبیله ای لیبی همه بازتاب و حاصل نیروی انقلاب و عکس العمل بالائینها، بورژوازی بومی و جهانی، به پدیده انقلاب است. این وجود قبایل و عشایر نیست که بالائینها را هراس انداخته. اگر کسی واقعا نگران مدنیت در لیبی باشد میفهمد که انقلاب جاری نه مدنیت بلکه بقایای نظام عشیرتی قبیله ای را در لیبی "بختر" انداخته است. انقلاب اگر از بالا قیچی و مسخ و منقرض نکنند بهترین شرایط را برای گذار به یک جامعه مدنی و انسانی قرن بیستمی در لیبی فراهم آورده است. انقلاب لیبی بخاطر شکل ویژه ای که روند تحولات بخود گرفت تا در هم شکستن کل دستگاه دولتی قذافی بخصوص ارتش و زندانها و مافیای قدرتی که از جمله بر مبنای روابط عشیرتی قذافی حول خود فراهم کرده بود به پیش رفت. از این نظر انقلاب لیبی تا همینجا شکل عمیقتر و پیگیر تری

نسبت به انقلابات مصر و تونس بخود گرفته است. اکنون در مرحله نهائی خود انقلاب شکل هجوم مردم مسلح به آخرین بقایای ارتش و مزدوران وفادار به قذافی را بخود گرفته است و این البته از نظر دولتهای غربی بسیار نگران کننده است. ویلیام هیگ وزیر امور خارجه انگلیس در مصاحبه ای با بی بی سی بدنبال حمله مردم مسلح به مقر قذافی و مصادره مهمات و اسلحه هائی که در این مقر بود این امر را بسیار خطرناک توصیف کرد. این بیان صریح تر و روشن تر و واقعی تری از نگرانی دولتها و رسانه های غربی است. نگرانی بورژوازی بومی و جهانی از آینده لیبی نه جنگهای مذهبی - عشیرتی بلکه مقابله با مردم مسلحی است که زیر بار دولت گذار سرهم بندی شده غرب و کاسه بگیر و نشان پارلمان و انتخابات نمیروند. در مصر و تونس با وجود آنکه غرب توانست ارتش را مصون نگهدارد و از مسلح شدن مردم جلوگیری کند، با اینهمه اعتراضات مردم همچنان ادامه یافت. میتوان تصور کرد روند انقلاب مسلح مردم لیبی بعد از سقوط قذافی چگونه خواهد بود. حق دارند نگران باشند!

*

در پاسخ به صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه

صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه رژیم آدمکشان اسلامی دستوری صادر کرده است مبنی بر اینکه همه زندانیان "غیر از زندانیان سیاسی و برخی مجرمان خطرناک" از مرخصی پانزده روزه برخوردار شوند. صرفنظر از همدیاف اعلام شدن زندانیان سیاسی عقیدتی با مجرمین خطرناک، اما حتی اگر یک درصد از این "مجرمان خطرناک" هم واقعا مجرم باشند، بطور واقعی هیچکدامشان به اندازه یک هزارم مقامات حکومت اسلامی جنایت نکرده اند و هیچکدامشان انگشت کوچک لاریجانی و خامنه ای و مرتضوی و رادان و خمینی و رفسنجانی و لاجوردی و سایر مقامات ریز و درشت حکومت نمی شوند. بعلاوه جرم و جنایت آنها را هم باید تماما به حساب حکومت و

نظامی گذاشت که زمینه ساز اصلی و واقعی جرم و جنایت در جامعه است. افتخار حکومت اسلامی این است که تعداد زندانیان عادی در سه دهه گذشته از ۱۰ هزار به ۲۵۰ هزار رسیده است. تعداد قابل توجهی از این زندانیان مردم شریفی هستند که بدلیل فقر و محرومیت سفته های برگشتی داشته اند، جوانان محرومی هستند که در این نظام به اعتیاد کشیده شده اند و یا زنانی که برای تامین زندگی کودکان خود به تن فروشی روی آورده اند. حکومتی از مرخصی به زندانیان صحبت میکند که سی سال است زندانیان را شکنجه میکند، مورد تجاوز قرار میدهد، اعدام و سنگسار میکند، چشم در میاورد و دست میبرد. آیا همین چند فقره از جنایات حکومت نشان نمیدهد که مجرمین

واقعی، زندانبانان و شکنجه گران و روسای آنها در قوه قضائیه و مجریه و مقننه حکومت اسلامی و در بیت رهبری هستند؟ مردم لیست کامل مجرمین خطرناک و قاتلین و جنایتکاران واقعی را در جیب خود دارند و با سرنگونی حکومت اسلامی، آنها را به دادگاه خواهند کشاند و عزیزان خود را با شکستن درهای زندانها آزاد خواهند کرد. روز آزادی یک جامعه هفتاد میلیونی از چنگ جانینان و مجرمان حکومت اسلامی دیر آزادانه پوشش نیست. زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۹ مرداد ۱۳۹۰، ۲۰ اوت ۲۰۱۱

پلاتفرم اتحاد سراسری دانشجویان

مهمترین خواسته های دانشجویان در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی.
- ۲- آزادی های بی قید و شرط سیاسی مانند آزادی بیان، تجمع، تشکل، اعتراض، اعتصاب، و سایر فعالیت های دانشجویی نظیر کلپ های فرهنگی و علمی و غیره.
- ۳- لغو حجاب اجباری و انتخاب آزادانه پوشش
- ۴- لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و لغو تفکیک جنسیتی به هر شکل و در هر زمینه.
- ۵- انحلال فوری همه نیروهای نظامی، شبه نظامی و امنیتی مانند کمیته های انضباطی، حراست، نمایندگی رهبری و غیره در دانشگاه. ممنوعیت اکید ورود پلیس و نیروی انتظامی به دانشگاه.

۶- جدایی دین از آموزش و پرورش و دانشگاه ها.

۷- معرفی آمرین و عاملین کشتار و جنایت علیه مردم و دانشجویان و محاکمه آنان در دادگاه های علنی با نظارت بین المللی.

۸- لغو هرگونه گزینش و امتحان ایدئولوژیک مذهبی، عقیدتی و سیاسی برای ورود به دانشگاه ها. لغو فوری همه احکام اخراج و و بازگرداندن فوری همه دانشجویان و استادان اخراجی

۹- انتخابی شدن همه مدیران و مقامات دانشگاهها توسط دانشجویان و استادان

۱۰- تامین بالاترین استانداردها برای تحصیل و امکانات رفاهی دانشجویان. از قبیل لغو شهریه، تامین خوابگاه مناسب، پرداخت کمک هزینه، تامین دانشگاه و فضای تحصیلی کافی برای همه متقاضیان ورود به دانشگاه و

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

روز قدس و وحشت حاکمین و ...

دولتی در اینروز میگوید: "روز قدس، پشتوانه امنیت کشور نیز هست و هر ایرانی که روز قدس به خیابان می‌آید، در واقع به امنیت کشور و ملت و حفظ دستاوردهای انقلاب کمک کرده است." روز قدس قرار است آخوندهای جمهوری اسلامی را از فضای وحشت بیرون بکشد و اوپاش حکومتی با نعره کشیدن در حمایت از رهبرشان، او را در مورد امنیت حکومتش دلداری دهند.

از صفحه ۱

۸۸ نیز که مردم میلیونی در خیابان بودند و شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای و آزادی زندانیان سیاسی سر میدادند، رهبران این طیف در روز قدس وحشت زده مردم را به آرامش فرا خواندند و از مردم خواستند که "شعار علیه جمهوری اسلامی و دیکتاتور ندهید"، "آرامش را حفظ کنید" "شعارهای سنتی قدس را فریاد بزنید". اما روز قدس سال ۸۸ که مصادف با ۲۷ شهریور بود به یک روز انقلاب علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد و مردم میلیونی شعار مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر دیکتاتور مرگ بر حکومت اسلامی سر دادند.

امسال مساله اینست که انقلابات منطقه، خطر سر بر آوردن مجدد انقلاب در ایران را برای دست اندرکاران و مدافعین رنگارنگ نظام کثیف اسلامی بطورجدی زنده کرده است. کابوس سال ۸۸ با هر انقلاب در منطقه جلوی چشم تک تک دست اندرکاران حکومت قرار میگیرد. اینها میدانند که باید بروند. دوره دیکتاتورها و خودکامگان تمام شده. دوره حکومتهای مذهبی و قبیله ای

در دفاع از مردم عراق و ...

دولت در مناطق مرزی با کردستان عراق تمرکز کرده، به حملات نظامی دست میزنند و تاکنون تعداد زیادی از مردم این مناطق را کشته و زخمی و آواره کرده و خسارات مالی زیادی به آنها وارد کرده اند.

مقامات حکومت اقلیم کردستان و رسانه های کردستان عراق اعلام کرده اند که در نتیجه این حملات تاکنون ساکنان ۳۵ روستا ناچار به ترک محل زندگی خود شده اند. تنها در روز ۳۰ مرداد هفت عضو یک خانواده از جمله یک کودک خردسال بر اثر حمله هوایی جنگنده های ترکیه جان باختند. این موارد تنها بخش کوچکی از فجایع دولتها و نیروهای نظامی و جریانات تروریست دخیل در عراق است که هرکدام اهداف ارتجاعی و ضد انسانی خود را در این منطقه تعقیب میکنند. دولت عراق و حکومت اقلیم کردستان نیز تاکنون در مقابل این جنایات عمدتا سکوت کرده اند. این سکوت ناشی از ماهیت ارتجاعی این حکومت ها، ترکیب قومی مذهبی آنها و روابط و بند و بست های کثیف آنها با دولت های ترکیه و جمهوری اسلامی و عربستان و

که مردم را رسماً صغیر و ناقص العقل میخوانند و میدانند تمام شده است. مردم به میدان آمده اند و دیکتاتورها را یکی یکی به زیر میکشند. این فضاست که روز قدس امسال جمهوری اسلامی را به روز ویژه دیگری تبدیل کرده است. این فضاست که باعث میشود دوم خردادیهای سابق و "جنبش سبزی ها" و کل طیفهای ملی اسلامی را بیش از پیش بیاد امام خمینی شان انداخته که روح خبیثش نجاتشان دهد.

برای مردم ایران این تقلابهای کثیف برای راه انداختن راه پیمایی بیعت با حکومت، و همچنین آن تقلابهای دیگر جناح مغضوب برای مقابله با شعارهای مرگ بر دیکتاتور با "تکبیر" و امثال آن، نفرت آور است و عزم شان را جزم تر میکند که کل حکومت را نشانه روند و در اولین فرصت با شعار حکومت اسلامی نمیخواهیم بساط این جانیمان در قدرت و برادران رانده شده از درگاهشان را برای همیشه جارو کنند. جمهوری اسلامی راهی برای خلاصی از انقلاب مردم ایران ندارد و نه قدس و نه تکبیر و نه راهپیمایی اوپاش و نه جنایت، نجاتش نخواهد داد.*

از صفحه ۱

غیره است. مردم کردستان عراق در منگنه جنایتی گرفتار آمده اند که یک سرش جمهوری اسلامی و دولت های ترکیه و عراق و آمریکااست و سر دیگرش جریانات ناسیونالیست قومی و ارتجاعی نظیر پژاک و پ ک ک است که هدفی جز سهم خواهی در قدرت ندارند. مردم هیچ نفعی در این جنگ قدرت مترجمین ندارند. دفاع جانانه از مردم کردستان عراق، وظیفه صف آزادیخواهی و سوسیالیسم و جهان متمدن است.

حزب کمونیست کارگری ایران همبستگی عمیق خود را با مردم عراق و کردستان عراق علیه شرایط ناامنی که توسط این نیروها بر آنها حاکم شده است، اعلام میکند و تجاوزات جنایتکارانه اخیر جمهوری اسلامی و دولت ترکیه را شدیداً محکوم میکند. از همه مردم آزاده و همه نیروهای سیاسی در عراق و ترکیه و ایران و در سراسر جهان دعوت میکنیم تا برای محکومیت دولت های ترکیه و ایران و علیه فضای میلیتاریستی در منطقه به میدان بیایند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ شهریور ۱۳۹۰، ۲۳ اوت ۲۰۱۱

آزادی، عدالت و پایان بازی ...

از صفحه ۱

روشن است که این اظهار نظر دومی پاسخی به درخواست اردوغان در خبر قبلی است. یعنی جناب احمدی نژاد وسط دعوا و بعد از یک عمر طرفداری از جنایتکاران سوریه میخواهد بیطرف شود. و این روشن است که مسخره و غیر ممکن است. شما خود را به جای یک کارگر، یا یک یک دختر و یا پسر آزادیخواه سوری بگذارید که سالهاست توسط دیکتاتوری اسد سرکوب شده و به فقر و بیکاری کشیده شده و جمهوری اسلامی هم یک حامی اصلی این حکومت بوده است و این جوان امروز با شعار مرگ بر دیکتاتوری اسد و مرگ بر جمهوری اسلامی ایران در کنار میلیونها نفر دیگر به خیابان آمده است و جنگیده است و جلوی چشم خودش دیده است که صدها نفر از دوستان و همزمانش توسط رژیم اسد به خاک افتاده اند. و این جوان

جمهور ایران و نخست وزیر ترکیه، در یک مکالمه تلفنی روابط دو جانبه و مسائل منطقه‌ای و به ویژه تحولات سوریه را مورد بحث قرار دادند. به گزارش «تابناک»، «تودی زمان» گزارشی را منتشر کرده که بنا بر آن، اردوغان از رئیس جمهور ایران درخواست کرده که نخست، همراه دیگر کشورهای منطقه موضع مشترکی را در قبال سوریه در پیش گیرد و دوم آنکه ایران در همراهی با دیگر کشورهای منطقه به دنبال راهکاری برای بحران سوریه باشد.

تا اینجای خبر را داشته باشید. تا خبر بعدی را در این رابطه بگوئیم. امروز پنجشنبه این خبر منتشر شد که احمدی نژاد گفته است که "انتخابات، آزادی و عدالت حق مردم سوریه است." و مردم و دولت باید بنشینند و در مورد آزادی ها تصمیم بگیرند و امثال اینها..

دیگری از دست آنها جز تقلائی مذبحانه بر نمی‌ید

آید. جمهوری اسلامی و حکومت بشار اسد هم مثل رژیم قذافی و بقیه دولتهای خودکامه سرمایه، در طرف بازنده تاریخ ایستاده اند و بازی دارد به آخر میرسد. حکومتهای عهد عتیقی و مذهبی و خودکامه و عشیرتی، کارشان تمام است. طبقه سرمایه دار دارد این ابزار را از دست میدهد. این تقلاها هم آخرین تقلاهای پوچ بازندگان منفور تاریخ است.*

دیدید است که نیروهای جمهوری اسلامی هم با این حکومت در جنایاتش همکاری مستقیم دارند. و دیدید است و شنیده است که جمهوری اسلامی مدام دارد از این حکومت دفاع میکند. و شنیده است که رهبر جمهوری اسلامی گفته است که این تظاهرات کار ابادی بیگانه و توطئه غربی هاست. و میداند که حکومت اسلامی یک حکومت جنایتکار بدتر از اسد است که مردم ایران در تلاش به زیر کشیدنش هستند و خیلی چیزهای دیگر از این دست را میدانند و به همین دلیل بارها عکس خامنه ای و احمدی نژاد را در کنار عکس صورت آبا این حماقت محض و مطلق نیست که احمدی نژاد امروز بعد از اینکه دیده است که سنبه انقلاب پر زور است و حتی از دست پاسداران و "سپاه قدس" جمهوری اسلامی و میلیاردهای نفتی این حکومت هم برای نجات رژیم اسد کاری بر نمی‌آید، تازه به فکر بی

طرفی و میانجیگری افتاده است؟ واقعا این جوان و کلا مردم سوریه با شنیدن اینکه احمدی نژاد از "عدالت و آزادی و انتخابات آزاد برای مردم سوریه" صحبت میکند، چه عکس العملی نشان خواهند داد؟ فکر میکنم جواب روشن باشد. چند فحش آبدار قطعاً نثار این کشفات خواهند کرد و یک بار دیگر عکسشان را در وسط خیابان لگدمال خواهند کرد و به آتش خواهند کشید. فکر میکنم خود احمدی نژاد و دیگر سران حکومت اسلامی در این مورد شك و تردیدی ندارند. اما کار



زنده باد سوسیالیسم!

منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی

منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

ابعادی بزرگ در معرض فروش است. آخرین فیلم‌ها در کنار پیاده روها در دسترس عموم است. اینها عکس العمل طبیعی مردم امروز است و این خود نوعی مقاومت در مقابل این حکومت است که امان این حکومت را بریده است. اما همانگونه اشاره شد گویا قرار نیست که آزموده را دوباره امتحان نکنند. فرمانده بسیج "سردار نقدی" این روزها گفته است: "امروز برای پیشبرد دفاع نرم ۳۵ هزار مسجد و حداقل ۱۵۰ هزار روحانی کم داریم". این اعتراضی بسیار روشن و ساده از شکست این حکومت است. فرمانده بسیج از دفاع میگوید و این یعنی مورد حمله واقع شده اند و تاب تحمل با این شرایط را ندارند و درست به روشی متوسل میشوند که سی و دو سال است امتحان کرده اند. و نتیجه اش شده "دفاع نرم" اما خاصیت رژیمهای دیکتاتوری همین است نمی توانند راه دیگری بروند. کوچکترین تخطی از اصول حکومت اسلامی سقوط حکومت را جلوتر می اندازد. پس مجبور است بر راهی که آمده اصرار ورزد که این راه هم نتیجه ای ندارد جز تسریع کردن روند سقوط حکومت. به قول خودشان این "بازی باخت باخت" است.*

سعی کرد در میان زنان و مردانی که شاهد جر و بحث آنها بودند طرفداری پیدا کند تا بساطش را گرم کند فایده ای نداشت و اطرافیان هم از دختران جوان حمایت میکردند. حتی مردی هم به طرفداری از دختران گفت خانم شما روزه ای برای خودت، به کسی چه کار داری؟ او دست از پا درازتر محل را ترک کرد. درود به زنان و دخترانی که برای انتخاب خودشان ارزش قائلند و برای آن اینگونه جانانه ایستاده اند و کوتاه نمی آیند چرا که در شهر که دوری بزی میبینی که واقعا همانگونه که این دختر گفت هیچ کس تره هم برای این ارادل و او باش حکومت اسلامی خرد نمی کند.*

انداخت و فریاد خواهد زد "آزادی زنان آزادی جامعه است" و آنرا عملی خواهد کرد.

زنده باد جنبش آزادی زن
مرگ بر جمهوری اسلامی
۲۶ مرداد ۱۳۹۰

بازتاب هفته

"بازی باخت باخت"

یاشار سهندی

آزموده را آزمودن خطاست" این پندی است که گویا در رژیمهای دیکتاتوری اصلا خریداری ندارد. سی و دو سال است که حکومت این مملکت به دست "روحانیون معظم" است. و ایشان در این مدت همه امکانات یک حکومت را کامل در اختیار داشتند و به کمک آن بسیار کوشش کردند که مثلاً اینجا یعنی ایران را "ام القریا اسلام" کنند. همه مکانها شد مسجد، از مدرسه بگیر تا ورزشگاهها تا مدارس و دانشگاه. و در جاده ها هر جا که رسیدند یک مسجد زدند و به دور دست ترین روستاها روحانی اعظام کردند. خود تلویزیون شد پایگاهی که بیست و چهار ساعت شبانه روز "انوار نورانی احکام اسلام" را میشکافت. سینما را تسخیر کردند از "روز واقعه" تا "حضرت یوسف" به شکل حرفه ای و ناشایسته به تصویر کشیدند، به معنای معیودی (کارگردانی که فقر را تقدس

یک پاسخ دندان شکن

فرح صبری از ایران

دوسه روز پیش شاهد برخوردی در شهر تهران بودم که بیش از پیش مطمئن شدم که کار حکومت اسلامی و اسلامیان در این مملکت تمام است.. دختران جوانی که بسیار هم خوش لباس و خوش تیپ بودند و به قول بعضی بد حجاب (البته اگر بشود به آن نوار پارچه ای که ظاهراً جای شال را گرفته بود حجاب گفت!) با در دست داشتن دو بطری آب خنک مشغول روزه خواری بودند که یک خانم چادری که از دیدن آنها فشارش بالا رفته بود با لحن تند گفت: خانم ماه رمضان با خیال

برنده جنگ بر سر حجاب ما هستیم!

میتوانند باز هم "زورشان" را بیازمایند. اما زنان ایران سر تسلیم ندارند. هرروز دارند پرچم این حکومت را زیر پا له میکنند. این جامعه بطور قطع یک روز که چندان دور نخواهد بود حجاب و کل سیاست های ضد زن و تفکیک جنسیتی را دور خواهد

جنگ بر سر حجاب یک جنگ طبقاتی است. و برنده این جنگ بطور قطع ما هستیم. تاریخ خونبار سی ساله جنگ و کشاکش بر سر حجاب این را بروشنی تاکید میکند که میتوانیم کمر این حکومت وحشی و عقب مانده را از همینجا بشکنیم.

تبعیض آمیز نسبت به زنان.

۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحرپ

۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت

۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگانشان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۸- تامین فوری میرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.

ضامن تحقق اهداف فوق قدرت مردم است. مردمی که با انقلاب خود جمهوری اسلامی را سرنگون کرده اند باید متحد و متشکل به حضور فعال در عرصه سیاست ادامه دهند، هر نیروی مانع تحقق اهداف فوری فوق و کل خواستهای انقلاب را کنار بزنند و اداره امور را خود در دست بگیرند.

سرنگونی حکومت و درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی به معنی تحقق اهداف زیر است:

۱- خلع ید ولی فقیه، رئیس جمهور و کلیه مقامات دولتی از قدرت

۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت

۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم

۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

جنبش سرنگونی همچنین بمنظور جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع بند و بست و مهندسی قدرت از بالای سر مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آنرا تعیین کنند برای تحقق اهداف زیر پیگیرانه مبارزه میکنند.

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی

۲- لغو مجازات اعدام.

۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی

بدل میشود!

بازتاب هفته

نرخ تورم علنی اعلام نمی شود!



محمد شکوهی

بعد از مدتها کشمکش میان باندهای حکومتی در رابطه با ارائه آمار و ارقام دستکاری شده نرخ تورم، بیکاری وعدم واکنش ارگانهای نظیر بانک مرکزی و مرکز آمار، هفته گذشته یک عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس به نقل از رئیس مرکز آمار اعلام کرد که: "قرار است از این پس نرخ تورم به صورت عمومی اعلام نشود." پیرامون دلایل و اهداف اتخاذ چنین سیاستی از طرف مجلس رژیم، باندها و دار و دسته های حکومتی هر کدام تحلیل و ارزیابی خودشان را دارند. طرفداران دولت این اقدام را "مشبت" ارزیابی کرده و معتقدند که بدینوسیله از "سیاه نمایی" بر علیه دولت جلوگیری می شود. مرکز پژوهش های مجلس رژیم تحت نفوذ اصولگرایان و باند وابسته به توکل هستند و این حرکت را می توان نوعی ساخت و پاخت مجلس و دولت قبل از انتخابات به حساب آورد اما در عین حال گروهی نیز از این امر به عنوان حربه انتخاباتی دولت برای وارد شدن به تبلیغات انتخاباتی یاد می کنند و می گویند که دولت در نظر دارد اوضاع اقتصادی، بویژه آمار و ارقام مربوط به بیکاری، تورم و رشد اقتصادی را به نفع خود دستکاری کرده و از آن به عنوان حربه ای بر علیه مخالفان سیاستهای اقتصادی دولت استفاده نمایند. در همین رابطه این مرکز هفته گذشته اعلام کرد که سیاست اشتغالزایی دولت، بویژه ادعای ایجاد دو نیم میلیون شغل تا آخر برنامه پنجم با توجه به رشد اقتصادی پایین امکان ندارد و عملی نخواهد شد. دعوای و اختلافات حکومتی حول و حوش این موضوع کماکان ادامه دارد. اما دلایل این تصمیم چیست؟ و

وضعیت بیکاری و تورم چگونه است؟ و قرار است این تصمیم مجلس چه کمکی به اقتصاد بیمار و ورشکسته رژیم بکند؟ اینکه دار و دسته ها و باندهای حکومتی و دعوایشان بالاخره منجر با اعلام نرخ واقعی تورم و بیکاری خواهد شد یا نه، خود اهمیتی ندارد. آنچه مهم است گرانی و تورم لجام گسیخته و بیکاری مزمزم است که دمار از روزگار مردم درآورده و با هیچ آمار قابل پنهان کردن نیست. وضعیت آنچنان درهم برهم و بی افق است که حتی اعتراض بخش هایی از حکومت را هم درآورده است. حکومت قرار است با این تصمیم اوضاع را سیاه تر از آنی که هست، نشان ندهد. اما داده های اقتصادی و واقعیات اقتصاد فلج و ورشکسته رژیم چیز دیگری را می گویند. بیکاری بالای ۲۵ درصد است و تورم بویژه بعد از اجرای هدفمند کردن یارانه ها به بیش از ۳۵ درصد رسیده است. سیاست ادعای "مهار تورم"، ایجاد اشتغال رسماً شکست خورده است. بیکارسازی ها ادامه دارد و تورم و گرانی هر ساعت بالا می رود. اعتراض و مخالفت در جامعه به این وضعیت دارد اوج می گیرد. و این موجب ترس و وحشت حکومت شده است. دست اندرکاران دولت و ارگانهای چون بانک مرکزی و مرکز آمار اینجا وارد میدان شده اند تا نظیر "سریازان گمنام امام زمان" بادستکاری آمار و ارقام مربوط به نرخ تورم و بیکاری، راه فراری برای حکومت پیدا کرده و وانمود نمایند که اوضاع آنچنان هم بد نیست، که بیکاری همه جا وجود دارد، که تورم و گرانی عادی است. باید صبر و تحمل کرد تا...!

اما این را خود مردم هم می دانند که حکومت و مرکز آمار، وزارت کار و بانک مرکزی دروغ می گویند. جعل آمار و ارقام کار همیشگی اینها بوده است و وضعیت بسیار خرابتر از ادعای اینهاست. تا جایی که خامنه ای مستقیماً وارد میدان شده است. وی حدود یک ماه پیش در دیدار با مسئولان نظام اعلام کرد: "که تصویر سیاه از وضعیت ندهید این به نفع دشمن

است." مجلس هم به فکر افتاده تا جلوی "سیاه نمایی" از وضعیت اقتصادی را بگیرد و در ادامه این سیاست اعلام شده از طرف خامنه ای است که تصمیم گرفته آمار و ارقام مربوط به تورم و بیکاری را علنی و عمومی اعلام نکنند. اما چه آمار ارائه شود چه ارائه نشود، چه نرخ رسمی و واقعی اعلام شود یا نشود، چه نرخ بیکاری حکومتی اعلام شود یا نشود، تغییری در این واقعیت نخواهد داد که اقتصاد رژیم فلج و ورشکسته و زمین گیر شده است. از اثرات و تبعات این وضعیت افزایش تورم، گرانی و بیکاری میلیونی است. اینجاست که ترس و نگرانی رژیم را می شود دید. ترس و وحشت از به میدان آمدن مردم، نه فقط بر علیه این همه گرانی، فقر و فلاکت، بلکه برای به زیر کشیدن کل حکومت. حکومتی که باعث و بانی تمام این وضعیت است.*

لمپنهای اسلامی روی در

روی هم

یاشار سهندی

"مداحان اهل بیت" یکی از مفت خورترین در عین حال کثیف ترین عناصر مذهب تشیع بعد از "روحانیت معظم" اند. اینها مکمل آخوند ها هستند. این دو عنصر همیشه حامی و همدوش هم بوده اند. یکی بدون دیگری حیات ندارد. مداحان همیشه در مذهب شیعه جایگاهی ویژه داشته اند. این شاخه از دین اسلام بدون این لایه فوق انگلی کاملاً بی معنی است. مداحان حرفه ای در عین حال یکی از فاسد ترین عناصر این مذهب هستند. نمونه کامل "لمپن اسلامی" را در میان همین مداحان حرفه ای میتوان سراغ کرد که بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی کاملاً در خدمت این حکومت دست به هرکاری زده اند. نمونه بارز این مزدوران حکومت "حاج صادق آهنگران" است هر چند سالیانی است ظاهراً نطق اش کور شده و خفقان گرفته است اما مداحان حرفه ای دیگر به شدت مشغول هستند. این مداحان کارشان تهییج دسته های حزب الله و بسیجی و لمپنها و چاقوکنشان حکومت است تا آنها را به جان مردم بیندازند.

فعالاً قایم شدن، پیدایش کنش بجهت می کشنش!!! فعلاً تو هزاران حصار قرار گرفته این یهودی امت!!! گفتم هر کی بکشتش پولشو من می دم!!! خدایا شاهد نه اینکه حالا مثلاً بگم... چون اینا خطرناکن" اما اینکه این لمپن اسلامی روی در روی لمپن دیگر که حالا ردای ریاست جمهوری حکومت اسلامی را بر تن اش کرده اند اینگونه می ایستد همه نتیجه این است که مردم ایران برای هیچ چیز این حکومت ارزش قابل نیستند و به بهانه های مختلف تمام "ارزشهای اسلامی" این حکومت را به چالش میکشند. نمونه اخیرش آب بازی کردن جوانان در پارک آب و آتش بود که حکومت جمهوری اسلامی را به آتش کشید. فحاشی و فراخوان قتل رئیس دفتر احمدی نژاد یک سرکشی یا خودسری ساده نیست که از سوی کسی سر زده که دغدغه مثلاً دین و آخرت دارد. بلکه برعکس ایشان دغدغه دنیا را دارد. این بروز دیگری از شکاف عمیقی است که بین مزدوران حکومت افتاده است و ایشان به شیوه همه مداحان از یک جایی خط میگیرند. ایشان اگر دست از دهان کشیده و هر چه میخواهد میگوید میدانند که احمدی نژاد تاریخ مصرفش به پایان رسیده و ایشان اجازه یافته است که عمق "اخلاقیات اسلامی" خود را بروز دهد. زبونی امروز احمدی نژاد در نزد بزرگان نظام و تهدید به قتل "یاران دکتر" از سوی "نوجه های سران نظام" نتیجه مقاومت مردم در مقابل این حکومت است. ایشان راست میگویند "دشمنان" به ریش حزب الله میخندند و این دشمنان کسی نیستند جز مردم ایران.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفرو: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wcpiiran.org

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

مراسم خاکسپاری و بزرگداشت پروین نودینیان

زمان: شنبه ۲۷ آگوست، ساعت ۹:۳۰ صبح

مکان: Friedhof (آرامگاه)

St. Nikolai Stift zu Hannover, An der Strangriede 41

Hannover 14730

مراسم بزرگداشت

زمان: شنبه ۲۷ آگوست، ساعت ۱۱:۳۰ صبح

مکان:

Freizeitheim Linden, Windheim Str. 4

Hannover 30451

اسقامت و مقابله طولانی اش با مرگ را گرامی می‌داریم. به همه عزیزان او و دیگر بستگان او، به همه دوستان و رفقا و آشنایانش از صمیم قلب تسلیت می‌گوییم.

ما تاریخ و محل مراسم یادبود پروین عزیزمان را در اطلاعیه بعدی به اطلاع عموم خواهیم رساند.

از طرف خانواده و بستگان پروین نودینیان

روحیه شرشار از تلاش و امید به زندگی پروین همواره از او قهرمان مقاومت و ایستادگی را به نمایش می‌گذاشت.

متأسفانه امروز ۲۸ مرداد ساعت نه و نیم صبح پروین عزیزمان ما را تنها گذاشت و جان باخت.

پروین عزیز ما یکی دیگر از صدها هزار قربانیان جنایات رژیم اسلامی است. ما و جنبش چپ و کمونیستی ایران یکی از یاران و عزیزان خود را از دست دادیم. یاد پروین با

زمین‌هایی بدون ارزش، تمدید وام‌ها بطور مکرر و برای مدت‌های طولانی بدون اینکه زمان بازپرداخت آن مشخص باشد، امری عادی در سیستم بانکی برای آقازاده‌های میلیاردر است. بار این "وام‌ها" بدوش بانک‌هایی است که اعتبار خود را از بانک مرکزی و دولت و یا به عبارت دیگر از جیب و سفره خالی کارگران و زحمتکشان، می‌گیرند.

افشای اختلاس‌های عظیمی که می‌توان گفت در دنیا کم نظیر است، فقط صحنه‌های کوچکی از مسابقه غارت و چپاول باند های جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد که در میان کشمکش‌ها در معرض دید مردم قرار گرفته است. فساد مالی در درون نظام به حدی است که قادر به پنهان کردن آن نیستند. این حکومت در واقع حکومت دزدی و چپاول سازمان یافته است. و این مسابقه غیر انسانی و جنایتکارانه را فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی و دستگیری همه شرکت‌کنندگان در این دزدیهای عظیم و بی سابقه می‌توان خاتمه داد. *

تومان به بانک‌ها بدهی دارند و این رقم را تقریباً نیمی از بدهی کلیه بانک‌ها اعلام نموده. به گزارش همین سایت حسین ونایی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفته است که حدود ۷۰ درصد بدهی بانک‌ها متعلق به کمتر از ۱۰۰۰ نفر از اشخاص حقیقی و حقوقی است. در این سایت نام اختصاری چندین شخص اعلام شده که هر کدام بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان به بانک‌ها بدهی دارند.

اختلاس از بانک‌های دولتی در ایران یکی از روش‌های دزدی و چپاول مقامات جمهوری اسلامی است. و بین آنها رقابت شدیدی بر سر گرفتن وام‌های کلان از بانک‌ها وجود دارد. ظاهر این دزدی‌ها وام است، اما اینها در واقع وام نیستند، پرداخت بلاعوضند. این "وام‌ها" با بهره‌هایی ناچیز و یا بدون بهره به وابستگان به رژیم داده می‌شود. وثیقه‌هایی که در مقابل این وام‌ها گرفته می‌شود، بسیار ناچیز و در مواردی چندین برابر کمتر از میزان وام هستند. گذاشتن ماشین‌آلات قدیمی و حتی اوراق شده، اسناد

پروین نودینیان سمبل استقامت و ایستادگی جان باخت

سال ۱۳۵۷ به عضویت این سازمان در آمد. در سال ۱۳۶۰ بنا به تصمیم تشکیلات، پروین و رفیق همسر و همزمش سعید یزدیان، از اعضای کادر رهبران وقت کومه له، از طرف تشکیلات کومه له جهت سازمان دادن تشکیلات کومه له به تهران رفته و پروین در کارخانه ای در این شهر مشغول کار شد.

در سال ۱۳۶۱ و در پی و ادامه سرکوبیهای خونین خرداد ۶۰، در جریان ضرباتی که پلیس رژیم اسلامی به جریانات سیاسی زد، پروین همراه تعداد زیادی از همزمانش دستگیر و مورد شکنجه زیادی قرار گرفت و به ۱۶ سال زندان محکوم گردید. شکنجه و عدم امکانات در سیاه چاله‌های رژیم اسلامی پروین را به بیماری "اسکلروز درمی" مبتلا نمود. عدم امکانات پزشکی در زندانها و شرایط سخت بیماری پروین جانینان اسلامی را وادار نمود که پروین را به صورت موقت در سال ۱۳۶۵ از

زندان آزاد کرد. بعد از آزادی از زندان، پروین در تهران اقامت گزید. او با وجود شرایط سخت جسمی که داشت، با وجود اینکه دستهایش همگی زخم‌دشته و با این بیماری دست و پنجه نرم می‌کرد مشغول به کار شد. شرایط سخت بیماری او همراه با اذیت و آزار و فراخواندن هر هفته ای پروین به دستگاههای امنیتی رژیم که شرایط آزادی موقت او بود، پروین را مجبور به ترک ایران نمود. او در سال ۲۰۰۴ به کشور آلمان آمد.

از این تاریخ دیگر هر روزه وضعیت جسمی پروین رو به وخامت گذاشت و مرتباً تحت معالجه بود. اما این انسان سمبل مقاومت هرگز در مقابل بیماری مزمن و سخت خود تسلیم نشد. هر بار که از او احوالش را می‌پرسیدید او با روحیه ای بالا می‌گفت خویسم و هرگز دوست نداشت که موضوع مکالماتش مساله مریض اش باشد. پروین بیش از ۲۰ سال با مرگ دست و پنجه نرم کرد.

انجام داده و آن را در بازار به فروش رسانده است. اما در زمان سر رسید اعتبارات اسنادی از پرداخت به بانک خودداری کرده است و بانک با استفاده از اعتبار بانک مرکزی این مبالغ را به طلبکاران خارجی پرداخت نموده. این تسهیلات اعتباری سرسام آور بدون تأیید دولت و رئیس بانک مرکزی که در ارتباط مستقیم با خامنه‌ای است، غیر ممکن است. سال قبل پرونده دزدی بزرگ در شرکت بیمه ایران با برگزاری دادگاه و محاکمه بیش از ۵۰ نفر برگزار شد، اما با وجود افشاگری‌های فراوانی که در این مورد انجام شده بود، جناح‌های حکومت با هم کنار آمدند و نام محمد رضا رحیمی معاون احمدی نژاد و متهم اصلی از این پرونده کنار گذاشته شد. اما این بار پرونده اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی بیرون کشیده شده و روابط نزدیک متهم اصلی با دولت مطرح شده است. رسانه‌های باند مخالف دولت مطرح کرده اند که وقتی بانک مرکزی پیگیر وام‌هایی هزار برابر کمتر است چرا در مقابل دزدی‌های چند هزار میلیاردی سکوت کرده است. سایت رجا نیوز خبر از لیست صد نفره ای داده است که حدود ۲۰ هزار میلیارد

با کمال تأسف فراوان امروز ۱۹ اوت (۲۸ مرداد ۱۳۹۰) ما یکی از عزیزانمان و جنبش چپ و سوسیالیستی ایران یکی از انسانهای مبارز و مقاوم خود را از دست داد.

پروین در اول شهریور ۱۳۳۷ در سنندج متولد شد. دوران پایان تحصیلات او مصادف با دوران انقلابی در ایران بود و پروین بعنوان معلم مشغول بکار شد. با شروع قیام مردم ایران علیه رژیم شاه پروین یکی از فعالین شهر سنندج در این اعتراضات بود. با سرنگونی رژیم شاه او همراه دیگر فعالین چپ و کمونیست در سنندج و دیگر شهرهای کردستان برای سازمان دادن اعتراضات مردم فعالانه تلاش نمود و این پروین را به یکی از چهره‌های فعال و شناخته شده در سنندج تبدیل نمود. این دوره از فعالیت‌های پروین مصادف بود با اعلام فعالیت علنی کومه له. پروین همچون بیشتر فعالین چپ در کردستان با کومه له در ارتباط سازمانی قرار گرفت و از

سال ۱۳۵۷ به عضویت این سازمان در آمد. در سال ۱۳۶۰ بنا به تصمیم تشکیلات، پروین و رفیق همسر و همزمش سعید یزدیان، از اعضای کادر رهبران وقت کومه له، از طرف تشکیلات کومه له جهت سازمان دادن تشکیلات کومه له به تهران رفته و پروین در کارخانه ای در این شهر مشغول کار شد. در سال ۱۳۶۱ و در پی و ادامه سرکوبیهای خونین خرداد ۶۰، در جریان ضرباتی که پلیس رژیم اسلامی به جریانات سیاسی زد، پروین همراه تعداد زیادی از همزمانش دستگیر و مورد شکنجه زیادی قرار گرفت و به ۱۶ سال زندان محکوم گردید. شکنجه و عدم امکانات در سیاه چاله‌های رژیم اسلامی پروین را به بیماری "اسکلروز درمی" مبتلا نمود. عدم امکانات پزشکی در زندانها و شرایط سخت بیماری پروین جانینان اسلامی را وادار نمود که پروین را به صورت موقت در سال ۱۳۶۵ از



رکورد اختلاس در ... از صفحه ۱

بهر روز مهر آبادی

بسیاری از معاملات و فعالیت‌های اقتصادی نقش دارد. او صاحب دهها شرکت و موسسه اقتصادی زنجیره‌ای و موسس بانک آریا است. او با تئانی رئیس یکی از شعبات بانک صادرات توانسته در عرض دو سال سه هزار میلیارد تومان به جیب بزند. برای اینکه تصویری از این پول کلان بدست آورید باید بگوییم که اگر در آمد متوسط یک کارگر را پانصد هزار تومان در ماه در نظر بگیریم، که خیلی بالاتر از حداقل حقوق اعلام شده توسط جمهوری اسلامی است، میزان اختلاس ۱۰۰ معادل دستمزد ماهیانه ۶ میلیون کارگر می‌شود.

این مبلغ گزاف با صدور "آل سی" های بدون پشتوانه و فروش آنها در بازار صورت گرفته است. "آل سی" یا "اعتبار اسنادی" تعهد بانک به فروشنده و خریدار در معاملات بین المللی است. او با استفاده از اعتبارات بانکی در طول دو سال حجم زیادی از واردات فولاد کشور را

داشت. اگر در نظر بگیریم که فقط درصد ناچیزی از موارد "اختلاس" بخاطر اختلافات درون حکومتی افشا می‌شود می‌توانیم به اهمیت و نقش "اختلاس" در چرخه اقتصاد جمهوری اسلامی پی ببریم. تا چند هفته پیش نام‌هایی مانند مرتضی رفیق دوست و همکارش فاضل خداداد با رقم ۱۲۳ میلیارد تومان در اواسط دهه ۷۰، شهرام جزایری با رقم ۸۰ میلیارد تومان در اوایل دهه ۸۰، سلطان شکر با کسب صدها میلیارد تومان ثروت از طریق اختلاس در سالهای ۸۰ و بسیاری اشخاص دیگر که فقط حروف اول اسم و فامیل آنها اعلام شده با ارقام چند میلیارد تومانی، معرفی شده بودند. اما با اعلام رکورد جدید اختلاس ۳ هزار میلیارد تومان، از مختلوسی صحبت کردند که شهرام جزایری و مرتضی رفیق دوست را رو سفید کرده است.

۱. خ. مالک یکی از باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال است که ۲۷ هزار نفر برای آن کار می‌کنند و در

انترناسیونال را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!



علی نجاتی از رهبران سندیکای نیشکر هفت تپه

شعار اصلی کارگران، آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان باشد. باید با قدرت مبارزات متحد و سراسری خود، زندان این ابزار سرکوب را از جمهوری اسلامی بگیریم. باید خواهان لغو فوری همه پرونده های قضایی تشکیل شده برای فعالین کارگری و همه فعالین سیاسی در سطح جامعه شد. باید در برابر احضار و تهدید فعالین و رهبران کارگری متحدانه ایستاد.*

میتوانند با نوشتن طومارهای اعتراضی علی نجاتی و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه را مورد حمایت و پشتیبانی خود قرار دهند. مبارزه برای آزادی کارگران زندانی، مبارزه علیه احضار و تهدید فعالین و رهبران کارگری يك عرصه مهم از مبارزات کارگران است. جمهوری اسلامی با تهدید و فشار به رهبران کارگری تلاش دارد که کل جنبش کارگری و کل جامعه را عقب بزند. مهم است که امروز بویژه يك

مالی و همه جانبه خود قرار دادند. بطوریکه بارها حراست کارخانه کارگران نیشکر هفت تپه را بخاطر این حمایت ها و گذاشتن این صندوق زیر فشار و تهدید قرار داده است، اما کارگران این کارخانه بدرست دفاع از رهبران خود و از سندیکایشان را حق و وظیفه خود دانسته و برآن تاکید کرده اند.

اکنون نیز انتظار میرود که کارگران نیشکر هفت تپه با همین صلابت در مقابل تعرض جمهوری اسلامی بایستند و با تجمع اعتراضی خود و با اختار به اعتصاب و دست کشیدن از کار و خلاصه به هر شکلی که میتوانند جلوی بازداشت مجدد علی نجاتی را بگیرند. زندانی کردن علی نجاتی در واقع تعرضی است به کارگران نیشکر هفت تپه، تعرضی است به تشکل این کارگران و تعرضی است به کل کارگران. باید با تمام قدرت علیه این تعرض ایستاد. زندانی کردن علی نجاتی به لحاظ جانی نیز برای علی نجاتی خطرناک است و جمهوری اسلامی در قبال جان او مسئول است.

کارگران نیشکر هفت تپه تجربیات خوبی از مبارزات متحد دارند. از جمله در سال ۸۵ بود که با راهپیمایی در شهر شوش و با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد کاری کردند که دادگاهی که برای محاکمه رهبرانشان برپا شده بود، متوقف بماند. اکنون نیز ۵۰۰۰ کارگر این کارخانه با همین قدرت میتواند جلو بیایند و خواهان لغو حکم زندان علی نجاتی شوند. نه تنها این بلکه خواهان بازگشت به کار او و همه همکاران اخراجی خود بسر کار شوند. همچنین کارگران در مراکز دیگر کارگری

یکسال حکم زندان داده شد. اکنون هر آن ممکن است علی نجاتی را به زندان ببرند. این در حالیست که او در وضعیت جسمی نامناسبی بسر میبرد و بازداشت وی خطر جانی برای او دارد. باید از علی نجاتی با تمام قوا حمایت و پشتیبانی کرد. دفاع از علی نجاتی به معنی دفاع از مبارزات برحق کارگران نیشکر هفت تپه، دفاع از حق تشکل و دفاع از سندیکای این کارگران است. این وظیفه همه کارگران نیشکر هفت تپه و همه کارگران در سراسر ایران است که به هر شکلی که میتوانند با اعتراض علی نجاتی اعتراض کنند.

جنایتکاران اسلامی علی نجاتی را به همراه ۵ نفر دیگر از اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه ۳ سال پیش از کار اخراج کردند. بعد ها در ادامه اعتراضات این کارگران و پشتیبانی کارگران نیشکر هفت تپه، از آنها خواسته شد که خود با شرکت تسویه حساب کنند تا آنها را دوباره بصورت قرار دادی به کار بازگردانند. اما این کارگران با این خواست مخالفت کرده و آنرا توطئه ای برای قانونی کردن اخراج قطعی خود از کار دانستند. این کارگران هر کدام سالها در این کارخانه کار کرده اند و علی نجاتی دارای ۲۵ سال سابقه کار در این کارخانه است. اکنون ۳ سال است که او از کار بیکار و تمام حقوق و مزایایش را قطع کرده اند. بدین ترتیب او و خانواده اش زیر بیشترین فشار ها قرار دارند.

در این رابطه کارگران نیشکر هفت تپه در ابتکاری جالب در دفاع از رهبران و نمایندگان محبوب خود صندوق همبستگی مالی گذاشته و خانواده های این کارگران را زیر حمایت

به احضار علی نجاتی ...

از صفحه ۱

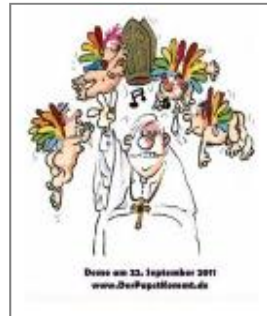


شهلا دانشفر

مدت یکسال حکمی که داده اند، راهی زندان کنند. به او احضار شده بود که اگر ظرف سه روز خود را معرفی نکند، وی را جلب خواهند کرد. لازم به اشاره است که علی نجاتی بدلیل بیماری قلبی سه ماه قبل تحت عمل جراحی قلب قرار گرفت و اکنون زیر نظر پزشکان در حال گذراندن دوره درمان است. روشن است که خبر احضار علی نجاتی برای هرکارگری تکان دهنده و انزجار آور است. باید وسیعاً به این حکم جنایتکارانه جانین اسلامی اعتراض کرد. علی نجاتی را به خاطر مبارزات پرشکوه کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۸۵ در دفاع از معیشت خود و برای نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده شان و بخاطر تلاش این کارگران برای ایجاد سندیکایشان محکوم کرده اند. و تازه علی نجاتی قبلاً به همین جرم ۶ ماه در زندان دزفول در بازداشت بسر برده است. اما بعد از آزادی دوباره او را مورد محاکمه قرار دادند و بخاطر اینکه شش ماه زندان خود را گذرانده بود، او را در دادگاه جمهوری اسلامی در دزفول تبرئه کردند. اما شعبه ۱۳ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در اهواز به تیره وی اعتراض کرد و در فروردین امسال مجدداً وی را به این شعبه فراخواندند و در آنجا به او

اعتراض علیه سفر پاپ به آلمان

ایک ائتلاف بزرگ متشکل از ۵۴ سازمان و نهاد آنتیست و مدافع حقوق همجنسگرایان، در اعتراض به سخنرانی پاپ در پارلمان آلمان فراخوان به يك تظاهرات و راهپیمایی بزرگ در روز ۲۲ سپتامبر در مرکز شهر برلین را داده است. فراخوان دهندگان میخواهند در میدان براندنبرگ تور، نزدیک محل پارلمان میتینگ اعتراضی را شروع کنند و پلیس روز دوشنبه این هفته ۱۵ اوت



اعلام کرد که اجازه این میتینگ را نمیدهد. بعد از تظاهرات و درگیریها در مادرید، پلیس اعلام کرده است، جهت حفظ امنیت اجازه تظاهرات نمیدهد. ائتلاف فراخوان دهنده به تظاهرات، در مقابل این ممنوعیت قصد دارد به دادگاه عالی برلین شکایت کند. آنها در يك اطلاعیه مطبوعاتی اعلام کردند که در مقابل

این حمله به آزادی بیان در آلمان خواهند ایستاد. فراخوان دهندگان و پلیس آلمان

Free jailed workers in Iran

Mansoor Ossanlou
Ebrahim Madadi
Mohammad Jarahi
Reza Shahabi
Behnam Ebrahim-zadeh
Shahrokh Zamani
Seyed Boyok Siddar

Shahrokh Zamani
Ebrahim Madadi
Reza Shahabi
Behnam Ebrahim-zadeh
Mansoor Ossanlou

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com

شهلا دانشفر

bahram.soroush@gmail.com

بهرام سروش

احتمال حضور حداقل ۲۰۰۰۰ نفر نهاد اکس مسلم از همگان دعوت میکند که در این مجموعه اقدامات اعتراضی فعالانه شرکت میدهند.

در سایت این ائتلاف قطعنامه ای در اعتراض به سیاستهای ضد زن، ضد همجنسگرایان و ضد انسانی پاپ برای امضا هست که تاکنون بیش از ۳۰۰۰ نفر آنرا امضا کرده اند.

لینک سایت اعتراض به سفر پاپ:
www.derpapstkommt.de

نهاد اکس مسلم - آلمان
۲۰ اوت ۲۰۱۱

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

اساس سوسیالیسم انسان است!

گزارش تصویری از آکسیون اعتراضی در فرانکفورت در سالگرد ۲۵ مرداد روز حمله رژیم به کردستان و کشتار مردم



کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار پرداخت حقوق معوقه خود بودند. تجمع کنندگان پلاکاردهایی با مضامینی از جمله "آخراج بیش از ۱۰۰ نفر از پرسنل شرق بدون پرداخت حق و حقوق"، "صحبت کافیسیت، حقوقمان را پرداخت کنید" در دست داشتند.

نیروهای حق التدریسی برای دومین روز متوالی تجمع کردند

روز ۲۶ مردادماه در خبرها آمده بود که نیروهای حق التدریسی آموزشگاههای فنی کشور از ساعات اولیه صبح آژوز که نزدیک به ۱۰۰ نفر بودند، برای دومین روز متوالی در مقابل ساختمان مجلس دست به تحصن زدند. این تحصن در اعتراض به عدم اجرایی شدن مصوبات مجلس در استخدامشان بود. تجمع کنندگان پلاکاردهایی در دست داشتند که از جمله آنها: "عدالت عدالت عدالت"، "چرا پس از گذشت ۳ سال از مصوبه مجلس مبنی بر استخدام نیروهای حق التدریسی این اتفاق نیافتاده است" و غیره دیده میشد.

بجای وعده و وعید، دستمزد های کارگران سدید پروفیل را پرداخت کنید

در خبرهای این هفته آمده است که کارگران کارخانه سدید تولید کننده پروفیل در تهران نزدیک به ۴ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند. یکی از کارگران گفته است: علی‌رغم پیگیریهایی که کرده‌ایم ولی متأسفانه بیشتر وعده و وعید داده میشود و هنوز هیچ پاسخی دریافت نکرده‌ایم.

۵۰ واحد تولیدی صنعتی بحران زده در قزوین

رئیس هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان قزوین گفته است که ۵۰ واحد تولیدی صنعتی بحران زده در این استان موجودند. می‌گوید: کارگران این واحدهای بحران زده از یک ماه تا بیش از یکسال حقوق معوقه دارند. تعدادی از این واحدها تعطیل هستند و بقیه هم در حال تولید هستند و تعدادی هم توانایی تولید دارند اما در تعطیلی به سر می‌برند. او در ادامه می‌گوید: ۴ واحد بزرگ نساجی از جمله فرخ، مه نخ، نازخ و پوشینه بافت مشکل دارند که در سفر سال گذشته هیات دولت به استان قزوین مصوب شد تا کارگران این واحدها بازنشسته شوند که هنوز این مصوبه اجرایی نشده است.

چند خبر از اعتراضات و مسائل کارگری در ایران

کارگران کارخانه آزمایش گفته‌اند که بزور حقشان را خواهند گرفت

یکی از کارگران در استان فارس گفته است: کارگران کارخانه آزمایش مانند همه کارخانه‌های تولیدی لوازم خانگی در بحران به سر می‌برند و شرکت حقوقهای معوقه این کارگران را نمی‌پردازد. از طرف دیگر کارگران هم نیاز دارند که حداقلی لازم برای زندگی و مخارج معیشتی همسر و فرزند خود را تأمین کنند. این موضوع اعتراضات کارگران کارخانه آزمایش هست که اگر تا شبانه آینده به وعده داده شده برای پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه ما اقدام نکنند کارگران ناچار هستند که دست به اعتصاب بزنند و بزور حقشان را بگیرند.

کارگران مجتمع گوشت نسبت به پاسخ اداره کار مرودشت معترضند

در خبرها آمده است که بعد از سلسله تجمعات اعتراضی کارگران مجتمع گوشت و اصرار کارگران برای تعیین تکلیف مشکل ۱۸ ماهه کارگران این شرکت، اداره کار مرودشت نهایتاً تصمیم به واگذاری این شرکت به کارگزارش گرفت. در ادامه آمده است: کارگران این تصمیم‌گیری را رفع تکلیف تلقی کرده و می‌گویند که مشکلی از مشکل کارگران را حل نمیکند. یکی از کارگران در این رابطه توضیح داد که کشتارگاه مجتمع گوشت مجوز کشتار ندارد و سالیان گذشته که شرکت پگاه مسئولیت آنرا داشت مجوز کشتار در کشتارگاه این شرکت لغو گردیده بود، لذا واگذاری کشتارگاهی که مجوز کشتار نداشته باشد یک اقدام انحرافی و ادامه دار بودن سرگردانی کارگران میباشد. کارگران گفته‌اند که خواهان تعیین تکلیف مشکل هستند و گفتند که تا تعیین تکلیف نهایی اعتراض خود را به هر صورت ادامه خواهند داد.

کارگران مخابرات راه دور: وعده اعتراض بیشتر بعد از ماه رمضان

روز شنبه ۲۹ مرداد جمعی از کارگران و کارمندان شرکت مخابرات راه دور در مقابل درب ورودی این شرکت در شیراز تجمع کردند و به عمل نکردن مقامات دولتی به وعده‌های داده شده به کارگران اعتراض داشتند. یکی از کارگران این شرکت گفت: ۲۶

ماه هست که حقوقمان را نداده‌اند و اکنون در حسرت نان خالی هستیم. وی افزود بارها اعتراضات و خواسته‌هایمان را گفته‌ایم و اخیراً ۴ روز مقابل نهاد ریاست جمهوری و مجلس در تهران تجمع و تحصن داشتیم و آنها نیز دستور و وعده حل شدن مشکلات را دادند، ولی فقط وعده بود. سوال ما این هست که دردمان را کجا باید فریاد کنیم که اثر گذار باشد. وی افزود بعد از تعطیلات ماه رمضان مجدداً اعتراضات را مقابل استانداری و یا تهران از سر خواهیم گرفت.

اعتراض کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

در خبرها آمده است که یکی از کارگران بازنشسته کارخانه ذوب آهن اصفهان گفته است حقوق بازنشستگان این کارخانه ماهانه در سه قسط پرداخت میشود و در هر قسط بخشی از حقوق پرداخت میگردد. وی افزود بازنشستگان چندین بار نسبت به این وضعیت و مشکلاتی که هست دست به تجمع اعتراضی زده‌اند. یک ماه پیش نسبت به مشکلاتی که داریم و نسبت به شیوه پرداخت حقوقمان تجمع اعتراضی داشتیم ولی تاکنون توجهی به خواسته‌های ما نشده است. او گفت دلیل مشکلاتی که هست تمامی کارگران بازنشسته ناراضی بوده و اعتراض دارند.

آخراج تعدادی از کارگران پالایشگاه آبادان

در خبرها آمده است که خدمات اداری پالایشگاه آبادان بخاطر امتناع کارگران از انجام کار اضافی بعد پایان کار قانونی و روتین روزانه در فاز ۳ و نیروگاه شماره ۳ این پالایشگاه، اقدام به اخراج ۱۲ نفر از کارگران شاغل در این پالایشگاه نموده است.

تجمع کارکنان روزنامه شرق مقابل ساختمان این روزنامه

در خبرها آمده است که در پی اخراج حدود ۱۰۰ نفر از کارمندان و پرسنل روزنامه شرق و عدم پرداخت حقوق و معوقات آنها، این افراد عصر روز ۲۷ مرداد در مقابل ساختمان این روزنامه تجمع کردند. گفته شده است که تجمع کنندگان از بهمن ماه سال گذشته توسط مدیریت روزنامه شرق از کار برکنار و یا تعدیل شده‌اند و پیش از اخراج نیز حدود ۶ تا ۸ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. تجمع

اخباری از کردستان عراق

قلادزی

ظهر روز يك شنبه ۲۱ اوت ۲۰۱۱، ۷ نفر که بیشترشان از اعضای يك خانواده بودند مورد هجوم جنگنده های ترکیه در منطقه ای به نام "کورته ک" قرار گرفتند و جان سپردند. شایان ذکر است که دو نفر از این هفت نفر خردسال بودند.

این خانواده از اهالی روستای "بولی" از توابع شهرستان قلادزی بودند که برای چین و فروختن میوه های خود در بازار به روستایشان رفته بودند، هنگام بازگشت توسط جنگنده های ترکیه مورد حمله قرار گرفتند و همه آنها قربانی شدند.

اسامی این ۷ نفر: حسین مصطفی حسن، میر حاجی مام کاک، زانا حسین مصطفی، ریزان حسین مصطفی، سونیا شمال حسن، سولین شمال حسن، اسکار عوزیر حسن

بعد از کشته شدن این هفت نفر وساکت ماندن مقامات حکومت اقلیم کردستان مردم آزادی خواه کردستان به خشم آمده و در تعدادی از شهر های کردستان دست به تظاهرات زدند.

سلیمانیه

شب دوشنبه ۲۲ اوت ۲۰۱۱ ساعت ۸:۴۰ به وقت محلی در خیابان سالم شهر سلیمانیه در اعتراض به حملات هواپیماهای جنگی ترکیه و توپ باران رژیم اسلامی به مرزهای کردستان و کشته شدن هفت نفر از اعضای يك خانواده در منطقه "کورته ک" و کشته شدن و

آواره شدن صد هانفراز مردم بی گناه تظاهرات کردند.

این تظاهرات ساعت ۸:۴۰ در "سه هوله که" با در دست گرفتن مشعل های آتشین آغاز شد و در ابتدا نیروهای لباس شخصی آسایش به تظاهر کنندگان حمله کردند و در همان حال روزنامه نویسان و گزارشگران در هنگام تهیه فیلم و عکس مورد حمله قرار گرفتند و به خبرنگاران تلویزیون نالی (nrtv) و تلویزیون (kntv) آسیب رساندند. بعد از رویه رو شدن نیروهای امنیتی با جوانان و شعار آنها و بیشتر شدن لحظه به لحظه جمعیت، نیروهای آسایش عقب نشینی کردند. جمعیت با سر دادن شعار به طرف پارک آزادی به راه افتادند و در بین راه پرچم کشور ترکیه را به آتش کشیدند اما در مدت زمان کوتاهی شمار زیادی از سرکوبگران و مزدوران حکومت اقلیم کردستان در محل حاضر شدند ولی هیچ درگیری به وجود نیامد. تظاهر کنندگان اعلام کردند که اعتراضات ما در اشکال گوناگون ادامه خواهد داشت. قرار شد برای سازماندهی تظاهرات گسترده تری در روز چهارشنبه ۲۴ اوت ۲۰۱۱ آماده سازی آماده شوند. تظاهرات بعد از یک ساعت به پایان رسید.

رانیه

روز دوشنبه ۲۲ اوت ۲۰۱۱ ساعت ۱۰ صبح به وقت محلی در دروازه شهر رانیه مردم در اعتراض به

حمله هوایی ترکیه و کشته شدن ۷ نفر دست به تظاهرات زدند.

مردم شهر رانیه با ارده ای قوی با راهپیمایی و سر دادن شعار (اردوغان تروریست است) در ساعت ۱۱ صبح به مسجد بزرگ شهر رانیه رسیدند و بعد از شرکت در مراسم ختم این ۷ نفر به سوی قنبدیل به راه افتادند.

در ساعت ۱۳:۳۰ در ایست بازرسی "دریند" در نزدیکی شهر رانیه نیروی پیشمرگه حکومت جلوی تظاهر کنندگان را می گیرند و نمی گذارند از آنجا عبور کنند. با اتحاد و پافشاری، مردم معترض با سر دادن شعار علیه حکومت اقلیم کردستان صف نیروهای پیشمرگه را شکستند و از ایست بازرسی عبور کردند. بعد از گذشتن مردم از ایست بازرسی، مامورین حکومت با شناسایی ماشین های تظاهر کنندگان مجدداً توسط نیروی پیشمرگه مانع از عبور ماشین ها شدند. بعد از یک ساعت پافشاری مردم مسدود کردن راه "سه نگه سه ر- رانیه" نیروی پیشمرگه ناچار به ماشین ها هم اجازه حرکت داد و در ساعت ۱۴:۲۰ مردم راهپیمایی خود را به سوی قنبدیل از سر گرفتند

بار دیگر در ساعت ۳ بعد از ظهر نیروهای امنیتی (آسایش) و نیروهای پیشمرگه در ایست بازرسی "دره کوتر" به دلیل حمله های مکرر هوایی ترکیه به قنبدیل در این روز جلوی تظاهر کنندگان را گرفتند. بعد از گفت و گوی نیروهای پیشمرگه و آسایش به دلیل امن نبودن منطقه و به خطر افتادن جان تظاهر کنندگان در

گزارش تصویری از میز اطلاعاتی در بوروس سوئد



ساعت ۱۵:۴۰ مردم به تظاهرات پایان دادند و اعلام کردند که تظاهرات آنها در روزهای آینده ادامه خواهد داشت.

سازمان دهندگان تظاهرات اعلام کردند که برای محکوم کردن حمله های دولت ترکیه و رژیم اسلامی به مناطق مرزی کردستان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

قلادزی

بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۳ اوت ۲۰۱۱ شماری از مردم آزادی خواه شهر قلادزی در اعتراض به حمله های ترکیه و ایران به مناطق مرزی کردستان تظاهرات کردند.

در این تظاهرات مردم با در دست گرفتن عکس های هفت نفر از کشته شدگان حمله هوایی ترکیه علیه دولت ترکیه شعار میدادند.

هه ولیر

قرار است چهارشنبه ۲۴ اوت ۲۰۱۱ سازمان های غیر حکومتی در شهر هه ولیر در مقابل کنسولگری ترکیه در اعتراض به حمله های کشور ترکیه تجمع کنند.

منبع خبر: کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ اوت ۲۰۱۱

renatewitt@schokofabrik.de, Tel: 615 29 99

لینک مرکز زنان:

http://www.frauenzentrum-schokofabrik.de/index.php?id=28

نهاد اکس مسلم-۲۰ اوت ۲۰۱۱



International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution (<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

میکنند. کتاب مینا احدی یک فراخوان صمیمانه است برای یک دمکراسی واقعی که در آن حقوق انسانی برای همه ساکنین این جامعه باید رعایت شود همچنین برای آنهایی که مهر مسلمان به پیشانی آنها زده شده. احدی در دنیا معروف ترین چهره علیه سنگسار است.

زمان ساعت ۱۹

Ort: Treffpunkt, Mariannenstraße 6, HH, III. Etage,

علاقتمندان از قبل باید با ارسال یک امیل و یا تلفن برای حضور در جلسه اسم نویسی کنند.

Voranmeldung unter:

سخنرانی مینا احدی در برلین ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ در معرفی یک کتاب جدلی از یک زن شجاع

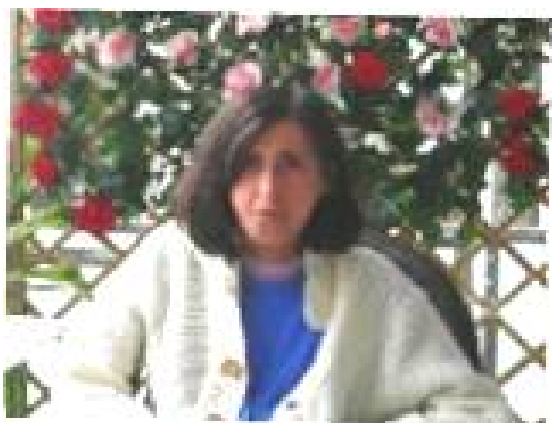
مرکز زنان شوکوفابریک از همگان دعوت میکند در این جلسه سخنرانی حضور بهم رسانند.

مینا احدی نویسنده کتاب من از مذهب رویگردانم، مهمان شهر برلین است. برای مینا احدی روی گرداندن از مذهب یک حق بدیهی است، اما بر اساس قوانین اسلامی او یک مجرم است. به همین دلیل این زن متولد ایران از وقتی که سازمان اکس مسلم را در آلمان بنیان گذاشت از سوی بنیادگرایان به مرگ تهدید میشود. در کتابش این مبارز شجاع مدافع حقوق انسان توضیح میدهد چرا باید با جنبش

اسلامی مقابله کنیم. با فعالیتهای خود در دفاع از آزادی و حقوق انسانی، زندگی مینا احدی در ایران نیز در خطر بود. از هنگام فرار به اروپا او سازش ناپذیر در دفاع از حقوق زنان در کشورهای اسلام زده فعالیت میکند.

واقعیت تلخ برای مینا احدی اینست که در آلمان نیز مسلمانانی که از مذهب اسلام رو بر میگردانند، از ترس ترور و فشارهایی که اعمال میشود، نمیتوانند اینرا علنا اعلام کنند یا اینکه زنان در اینجا نیز تحت فشار گذاشته میشوند حجاب را رعایت کنند و یا همسرانشان آنها را ملک خود تلقی

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!



به یاد پروین نودینیان که سرگذشتش، سند محکومیت جمهوری اسلامی است!



مینا احدی

شکنجه و اذیت و آزار غیر قابل توصیف، بدن پروین را وادار به عکس العمل کرده بود. این بیماری ناشی از شرایط سخت و جنایاتی بود که در زندان علیه او اعمال شده بود. پروین تنها یکی از قربانیان حکومت اسلامی بود. متأسفانه انسانهای زیادی به سرنوشت او دچار شده بودند.

در کردستان دورانی که هنوز در رادیو حزب کمونیست ایران کار میکردم، خانواده ای از تهران نزد ما آمدند و دختر جوانشان را برای انتقال به خارج با خود آورده بودند. او در زندان بیماری روانی گرفته و در آنجا، با صدای بلند می خندید و یا گریه میکرد و... از این نمونه ها بسیارند و به بیماریهای بسیار عجیبی دچار شده اند.

زندانیان سیاسی هم نسل پروین، زندانیان سالهای شصت و شصت و هفت، که ناظر اعدام دوستان خود بوده و خود بارها برای اجرای حکم اعدام نمایشی نیمه شب از سلول بیرون برده شده بودند، با کابوسهای شبانه و یا بیماریهای حاد روحی و جسمی دست و پنجه نرم میکنند.

من در دوره فعالیت خودم زنان زیادی را دیده ام که در زندانهای جمهوری اسلامی به آنها تجاوز شده بود، اینها هیچگاه در این مورد علنی حرف نزدند، ولی هیچگاه هم نتوانستند با این تراژدی کنار بیایند و...

زنان و مردان زیادی قربانی جنایت جمهوری اسلامی شدند، تعداد زیادی اعدام شدند و تعدادی که جان سالم بدر بردند، سالهای سال با عواقب روحی و جسمی شکنجه ها و پست فطرتی های جلادان حکومت اسلامی، دست و پنجه نرم کرده و میکنند. پروین تنها یکی از قربانیان حکومت اسلامی بود که به این بیماری خطرناک دچار شده بود.

جنایات حکومت اسلامی بعد از اعتراضات میلیونی مردم در سال

پروین را بار دوم بیست و شش سال بعد در آلمان و در منزلش ملاقات کردم. من و نسان نودینیان اینبار در مسیر راهمان از برلین به کلن بعد از یک میتینگ اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در هانوفر او را ملاقات کردیم.

این بار زنی را دیدم که در اثر بیماری "اسکلرو درمی" کاملاً تغییر کرده بود. شکسته بود و شادابی قبلی که تصویر من از او بود در چهره اش دیده نمیشد. او در زندانهای جمهوری اسلامی به این بیماری سخت و لاعلاج مبتلا شده بود. دستهایش زخم بود و دستکش سفیدی هر دو دستش را پوشانده بود و صورتش کاملاً کوچک شده بود، اما نگاهش و موهایش هنوز شبیه به پروین سال ۶۰ بود.

نمیتوانستم مستقیم به چشمهایش نگاه کنم، احساس میکردم، باید به این نگاه توضیح داده شود، چرا چنین شد؟ و چرا او اکنون تنها است... همسرش در ایران اعدام شد... خودش با این بیماری سخت دست و پنجه نرم میکند و....

پروین تبعیدی و پناهنده در هانوفر آلمان، که کماکان بسیار مقاوم بود و غرور شکست ناپذیری را از خود نشان میداد. در مورد بیماریش و همچنین در مورد گذشته ها نمیخواست حرف زیادی زده شود. در جواب احوالپرسی ما مرتب تکرار میکرد که حالم خوب است. ولی من و نسان هر دو میخواستیم، در مورد او و در مورد این جنبه از جنایات حکومت فاشیست اسلامی در ملا عام حرف زده شود. ما میخواستیم در جایی در آلمان، در برلین سالن بزرگی گرفته و با حضور خود او در مورد سرنوشت و جنایاتی که در حق او و دیگر زندانیان سیاسی اعمال شده است حرف بزنیم و در این مورد پروین هم حرف بزند. اما پروین دل و دماغ این کار را نداشت.

حکومت جنایت اسلامی با

پروین را سی و یکسال قبل در خانه خودم در تبریز ملاقات کردم، زنی کمونیست، زیبا، شوخ طبع و سرحال با موهایی سیاه و افشان که از همان لحظه اول، موهایش توجه مرا بخود جلب کرده بود.

آن دوره متناوباً از کردستان مهمانان زیادی داشتیم و همیشه زنان کمونیستی که از آنجا می آمدند برایم جالب بودند. به این فکر میکردم که روش مبارزه آنها چگونه است و چه فکر میکنند. چگونه در مبارزه مسلحانه شرکت کرده اند، رابطه اینها با همسرانشان چگونه است و.... برای من بعنوان یک دانشجو و یک زن فعال سیاسی و چپ، اینها همیشه اولین سوالات و اولین کنجکاوی هایم بود.

از همان لحظات اول دیدارمان با پروین او را زنی شاد و شوخ و فعال تجسم کردم. تصویر اولیه من بدون هیچ شناخت قبلی از او این بود که اعتماد بنفس داشت. این رفتارش به من تلقین کرده بود. در یک مباحثه مقدماتی فهمیدم که او میرفت تا در تهران بهرماه همسرش سعید یزدیان، در سازمان مخفی کومه له فعالیت کند.

آشنایی ما بسیار کوتاه بود، او در مسیر راه تهران دو روز مهمان ما بود و هنگام خداحافظی فکر میکردم، شاید بزودی مجدداً همیدگر ببینیم. اما....

حجاب سبب تحقیر و بی حقوقی کل جامعه است!

جامعه دور انداختن حجاب و دور ریختن کل قوانین این حکومت است. سرنگون باد حکومت ضد زن اسلامی!

۲۶ مرداد ۱۳۹۰

اما ما مردم، ما زنان آزاده و مردان آزادیخواه با کل حجاب مخالفیم. حجاب در هر شکل و رنگ و اندازه ای، پرچم نفرت انگیز و خونین ارتجاع اسلامی است و خواست زنان و کل مردم شریف

نزاع و کشاکش درون حکومت ضد زن اسلامی حول مساله حجاب بالا گرفته است. یکی از حجاب رنگی و دیگری از حجاب سیاه سخن میگوید. یکی از چادر و یکی از روسری دفاع میکنند.

المللی مطرح میکردیم و کاش پروین زنده میماند و می دید که جنایات حکومت اسلامی، بی پاسخ نمانده است.

یکی از آرزوهای من در فردای سرنگونی حکومت اسلامی این است که سران و عاملین این جنایات در ایران را به محاکمه بکشیم و تجربه ای برای بشریت متمم بشود و اثبات کند که جانبا ن نمیتوانند از دست اجرای عدالت بگریزند. نام و یاد همه این قهرمانان را گرامی بداریم.

در اینجا از طرف حزب کمونیست کارگری ایران و همه رفقای حزیب، و اجازه می خواهم از جانب همه کمونیستها و آزادیخواهانی که از مرگ پروین نودینیان متاثر شده اند، به مادرش، به خانواده و همه بستگان و رفقای پروین و به نسان نودینیان عزیز صمیمانه تسلیت بگویم.

پروین از کمونیستهایی بود که هیچگاه در مقابل حکومت فاشیست اسلامی سر تعظیم فرود نیاورد یاد و خاطره این زن کمونیست گرامی باد.

زنده باد یاد پروین نودینیان کلن، مینا احدی

انترناسیونال

شریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!